

رابطه مدرسه و اجتماع

جمفر ترک زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید بهشتی

نظام آموزشی به منظور تحقق اهداف متعدد جامعه شکل گرفته است و مدارس در خدمت نیازهای جامعه است.^۱ موفقیت آن نظام در انجام رسالتش مستلزم برخورداری از حمایت همه جانبه جامعه است. بنابراین، برقراری روابط مؤثر بین مدرسه و جامعه امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. رشد سریع و پیچیدگی روزافزون، ضرورت بقا و توسعه اجتماع و وابستگی بنیانی آن به مدرسه زیک سو و وابستگی مدرسه به اجتماع برای تحقق اهداف و انجام رسالتش از سوی دیگر، باقی ماندن مدرسه در یک حالت بسته و واکنشی را غیر ممکن و ارتباط، مشارکت و همکاری اجتماع با مدرسه را ضروری و غیر قابل اغماض ساخته است. این در حالی است که در بسیاری موارد بین مدرسه و اجتماع آن... فاصله و شکاف بسیاری وجود دارد که باعث تناقض و بی ثمری اقدامات یکدیگر می شوند.^۲ می توان امیدوار بود چنین شکافی با ایجاد روحیه مشارکتی و ایجاد کانالهای مؤثر ارتباطی با اعضاء مدرسه و اجتماع برطرف شود.

۱- رابطه مدرسه و اجتماع

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی برای ارضای نیازهای جامعه پدید آمده است. و در عین حال که نیازهای اجتماعی افراد جامعه را تأمین می نماید، خود را بر آنها تحمیل کرده رفتار آنان را کنترل می کند. بنابراین، رابطه این دو متقابل و اجتناب ناپذیر و دارای پویایی، نظم و

پسچیدگی خاص خود است. از این رو، بررسی رابطه آنها با هدف شناخت و پیش بینی و شاید تا حدی کنترل ضرورت می یابد. اما متأسفانه در مدرسه به عنوان مهمترین سطح و کانون تحقق اهداف آموزش و پرورش چنین رابطه ای کمتر مورد توجه واقع شده و عملاً به برقراری ارتباط مؤثر با اولیاء و دانش آموزان و حتی معلمان مدرسه و مشارکت آنها به عنوان کسانی که مستقیماً درگیر امر آموزش و پرورش و در عین حال رابط مستقیم مدرسه و اجتماع هستند، توجه چندانی نشده است.

چنین وضعی مدرسه را در موقعیتی مهجور قرار می دهد که از یک سو آن را از آثار مثبت مشارکت محروم می کند و از سوی دیگر پیش بینی و کنترل رفتارها و رویدادها را برای مدیر مدرسه دشوار می سازد. در چنین موقعیتی، احتمالاً تنها راه چاره مدیر، نوسل به مقام و قدرت رسمی است که طبعاً تبعات ناخوشایندی برای مدرسه، مدیریت، کارکنان، دانش آموزان، برنامه های آموزشی و پرورشی و در نهایت، کل اجتماع در پی خواهد داشت. بنابراین، لازم است قبل از هر چیز این باور در مدیران، معلمان و سایر دست اندرکاران آموزش و پرورش ایجاد شود که مدرسه به عنوان جزئی از سیستم اجتماعی (خرده سیستم) جامعه، ناچار از تعامل با آن است و در صورتی که این تعامل، شکل مشارکتی آگاهانه را به خود گیرد باعث اثربخشی و کارایی بیشتر مدرسه می شود.

۱-۱- اجتماع چیست؟

منظور از اجتماع، بخشی از جامعه است که با ترکیب اجتماعی - اقتصادی ویژه ای در محلی معین واقع شده و دارای مشخصات شهری یا روستایی، صنعتی یا مسکونی، قشری‌بهای اجتماعی و فرهنگی، رهبران محلی، کسبه، نهادها و امکانات و محدودیتهای معینی است^۳.
 اجتماع^۴ یک نظام اجتماعی است که مدرسه را دربر گرفته و تمام عناصر و فعالیت‌هایی که در تعامل با یکدیگر این نظام را می سازند، جزئی از اجتماع مدرسه محسوب می شوند. عواملی که به طور مشخص از این لحاظ در ارتباط با مدرسه قرار می گیرند عبارتند از: دانش آموزان، اولیای دانش آموزان، معلمان و دیگر کارکنان مدرسه که البته تأثیرات مستقیم یا غیر مستقیم اجزای دیگر نظام به قوت خود باقی است. به عنوان مثال، وجود یک پادگان نظامی در یک شهر کوچک تأثیرات غیر قابل انکاری بر نظام آموزش و پرورش آن دارد.

شوستر و استوارت (Shuster & Stewart 1973) پنج خصوصیت اجتماع را که همیشه

وجود دارند و هم جهت با برنامه های تعلیم و تربیت هستند به شرح زیر برشمرده اند.^۲

۱- مواهب طبیعی اجتماع (وجود منابع با ویژگیهای خاصی که زندگی اجتماع را تحت تأثیر قرار دهد)؛

۲- ساختار و سازمانهای رسمی و غیررسمی اجتماع برای انجام نقشها و خدمات آن؛

۳- ساختار و فرآیندهایی که اجتماع برای تحقق اهدافش بکار می برد؛

۴- ویژگی کلی جمعی و گروهی منحصر به فرد اجتماع (منش ملی)؛

۵- ادراک مردم از زندگی اجتماعی و وابستگی های متقابل آن.

بنابر آنچه گفته شد، می توان گفت هر مدرسه ای اجتماع خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، اجتماعات با یکدیگر متفاوتند. از این رو، حتی اگر مدارس در اجتماعات مختلف کاملاً با هم یکسان باشند باز هم به دلیل تفاوت اجتماعاتشان، نجارب یادگیری دانش آموزان یکسان نخواهد بود. لذا، توجه به این تفاوتها در طرح ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزشی ضروری است.

۲-۱- هدف برقراری رابطه مدرسه و اجتماع

مدرسه متعلق به مردم است، اگرچه در بسیاری مواقع مشارکت آن ها به عناوین مختلف از جمله ضرورت اثربخشی مدرسه محدود شده است. اما واقعیت این است که یاری گرفتن از اجتماع در حل مشکلات، عملاً احتمال اثربخشی تلاشها را بیشتر می کند. در جریان این ارتباط ممکن است عقاید جالب و کارسازی ارائه شوند یا زمینه استفاده از امکانات و تسهیلات ویژه ای که اجتماع برای کمک به عملی شدن برنامه های تربیتی در اختیار دارد، فراهم شود.^۵

هدف از برقراری روابط میان مدرسه و اجتماع، ایجاد اعتماد متقابل از طریق اطلاع رسانی به مردم درباره وضعیت کار مدارس است تا بدین وسیله حمایت آنان برای حل و فصل مشکلات گوناگون مدارس جلب شود. . . در نتیجه چنین روابطی، سوء تفاهات در زمینه اهداف و اقدامات آموزشی کاهش می یابد و میان مدرسه و اجتماع پیوند و یگانگی پدید می آید و استفاده مؤثر از فرصتها و منابع موجود امکان پذیر می شود.^۶

با برقراری رابطه ای اثربخش می توان ذهن مردم را نسبت به تعلیم و تربیت، رسالتها و اهداف آن، موقعیت مدرسه و اهمیت و ضرورت برنامه های آن روشن کرد و با تغییر نگرش آنها نسبت به موضوع، زمینه مناسب برای برخورداری از حمایت، مشارکت و کمکهای اجتماعی

فراهم آورد. ناگفته پيدا است که لازم است رابطه مدرسه و اجتماع را از حالت کنونی که مدرسه عمدتاً در پی اخذ کمکهای مالی از مردم است، از غنای بیشتری برخوردار نمود. پیشنهاد تحقق این، تغییر نگرش مدیران آموزش و پرورش در سطوح مختلف نسبت به رابطه مدرسه و اجتماع است.

۳-۱- اجتناب ناپذیری رابطه مدرسه و اجتماع

اجتماع در واقع محیط نظام مدرسه تلقی می شود. از یک سو تعاملات این نظام و محیط آن و از سوی دیگر رسالت و نقش مدرسه که قرار است در خدمت جامعه باشد، رابطه نزدیک و پیچیده و در عین حال اجتناب ناپذیر مدرسه و اجتماع را موجب می شود. رو و دریک (Roe & Drake 1974) رابطه مدرسه و اجتماع را به دلایل زیر ضروری دانسته اند:^۷

۱- فرآیند تعلیم و تربیت از دیوارهای رسمی مدرسه فراتر می رود و عملاً پای نهادهای تربیتی مختلفی به میان کشیده می شود. از این رو، ارتباط نزدیک با اجتماع برای تدوین یک برنامه آموزشی اصولی و محکم ضروری است.

۲- مدارس به نوعی فرهنگ جامعه ای را که در آن به فعالیت می پردازند منعکس می سازند. آنها نه تنها مسئول حفظ گذشته های مفید آن فرهنگ هستند بلکه مسئولیت فراهم آوردن زمینه پیشرفت و تغییر آن نیز را نیز بر عهده دارند.

۳- مدرسه در یک مفهوم، شکل گسترش یافته ای از خانه (با تأکید بر بعد تربیتی آن) است. بدین لحاظ، مشارکت فعال و هر شمندانه اولیاء در برنامه های آموزشی و اطلاع رسانی مدرسه از شرایط، مقاصد و نیازهای برنامه آموزشی به مردم ضرورت می یابد. از منظری دیگر می توان گفت:

مدرسه متعلق به اجتماع و در خدمت و وابسته به آن است و اجتماع دائماً در حال تغییر است. بنابراین، مدرسه برای انجام صحیح رسالت خود و برخورداری از حمایت اجتماع، ملزم به تغییر خود در همسویی با اجتماع است. همسویی با اجتماع مستلزم درک گرایشها و تحولات پیچیدگیهای اجتماعی است و درک اجتماع از سوی مدرسه مستلزم برقراری ارتباط اثربخش مدرسه با اجتماع است. به علاوه، ارتباط مدرسه با اجتماع زمینه مناسبتری برای برخورداری مدرسه از حمایتهای اجتماعی فراهم می آورد. بنابراین، مدرسه برای انجام رسالت خود و بقا، اثربخشی، کارایی و بهبود خود ناچار از برقراری رابطه با اجتماع است. بدیهی است اجتماع نیز برای حفظ

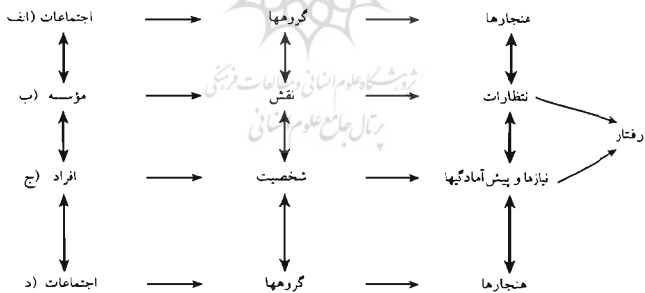
خرد نیازمند مدرسه (به عنوان یک خرده سیستم نگهدارنده و رشددهنده) است.

شکل ۱ تأثیر متقابل مستمر اجتماع و مدرسه و اعضای آن بر یکدیگر و تأثیر اجتماع بر عقلانیت و اثربخشی سازمان، هویت و کارآمدی افراد و تعلق و رضایت و روحیه کسانی که با مدرسه در ارتباطند را نشان می دهد.

رابطه اجتماع و مدرسه اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار است، لذا باید آن را پذیرفت و مورد توجه قرار داد، در غیر این صورت سیاست کبک را دنبال کرده ایم.

۱-۴- پیچیدگی رابطه مدرسه و اجتماع

رابطه مدرسه و اجتماع فرآیندی تعاملی و مداوم است. نفوذ مدرسه بر اجتماع بسیار لطیف، بلند مدت و غیرمستقیم است، درحالی که تأثیر اجتماع بر مدرسه آشکارتر، مستقیم تر و فوری تر است. به علاوه، در اجتماع نهادهایی وجود دارند که هر یک از ارزشهای عمومی و تربیتی خاصی پیروی می کند. عوامل دیگری نیز مانند رسوم و سنتها، وضع معیشتی اجتماع، اوضاع اقتصادی و مالی، صنعتی، بازرگانی و سیاسی، شرایط خانوادگی، بهداشت و رفاه فردی، گروههای اجتماعی، سازمانهای فرهنگی، تقسیمات کشوری، تفریحات و سرگرمیهای جدید هر اجتماع در این اثرگذاری سهیمند.^۸



شکل ۱ - تأثیر متقابل اجتماع، مدرسه و اعضای آن

منبع:

۵-۱- اجتماعات درونی مدرسه

الف) اجتماع دانش آموزان

دانش آموزان نه تنها بخشی از اجتماع مدرسه اند بلکه جزیی از اجتماع بزرگتر نیز هستند. با این همه حقوق آنها به عنوان یک بخش غیر قابل انکار اجتماع به ندرت مورد توجه قرار می گیرد. بسیاری از دست اندرکاران آموزش و پرورش دانش آموز را در محدوده سازمان رسمی و تصورات محدود خویش می نگرند. در حالی که دانش آموز در ارتباط با و متأثر از محیط مدرسه اش، گروه‌هایی با سازمانی رسمی و غیررسمی و دانش آموزی (مانند انجمن اسلامی با بسیج دانش آموزی)، اجتماع دانش آموزان، جو کلاس و مدرسه، گروه‌های همتای داخل و خارج از مدرسه، گروه‌های مرجع و... است که از قبیل اینها می‌تواند روزانه صدها تعامل داشته باشد. معلمان و مربیان غالباً این ارتباطات را به مدرسه و کار آن مربوط نمی‌دانند، غافل از این که خودشان نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر این فعالیتها هستند. «جو اجتماعی مدرسه، کلاس درس و اجتماع به طور کلی، عملاً نفوذ مهمی روی رفتار و پیشرفت دانش آموزان دارد». ^۱ از این رو، لازم است نگرش مدیر، معلم و دیگر دست اندرکاران آموزش و پرورش نسبت به دانش آموز از یک نگرش سنتی به نگرشی واقع نگر تغییر یابد و رفتار آنها با دانش آموزان مبتنی بر «آنچه واقعاً هست» باشد نه آنچه فکر می‌کنند «باید باشد» - که به طور محدود و مکانیکی فکر می‌کنند چنین است.

وقتی دانش آموزان احساس کنند بخاطر اینکه موزه به اهدافش برسد یا بخاطر آنکه برای آنها به عنوان جزء مهم سیستم احترامی قایل نمی‌شوند و به نوعی انکار یا نادیده انگاشته شده یا مهار می‌شوند به عنوان اولین حرکت، خواهان تغییر وضع موجود می‌شوند. چنانچه خواست آنها یا تلاششان برای تغییر، سرکوب شود تنها سه حالت برای آنها باقی می‌ماند که هر یک مسایل و مشکلاتی را برای مدرسه ایجاد می‌کنند. این حالات عبارتند از:

- تسلیم: اطاعتی اجباری است که موجب خشم و خنثی سازی توان دانش آموزان و گسترش مخالفت در آنها می‌شود.

- رانده شدن: ^۲ مدرسه رفتن با بی تفاوتی یا غیبت بیش از حد یا حتی ترک تحصیل.

- شورش: ^۳ حالت افراطی عکس العمل در مقابل مدرسه به صور مختلف به خاطر سختی و انعطاف ناپذیری نظام ^۳.

این حالات نشان می‌دهد که اگر نظام در مقابل اوضاع موجود و تغییرات لازم احساس مسئولیت نکند روز بروز کسانی را پرورش می‌دهد که در جبهه مخالف آن قرار می‌گیرند. این

جبهه گیری می تواند در اجتماع و مخصوصاً خانواده ها گسترش یابد و بدین سان مدرسه دچار بحرانی شود که به سختی قبل کنترل گردد.

برای مشارکت دانش آموزان در مدرسه لازم است در هر مدرسه سیاستهای متناسب و روشنی اتخاذ شود و رهنمودهایی برای مشارکت دانش آموزان در امر مدرسه فراهم آید و فرآیندهای ساده ای برای این منظور طراحی و با همکاری خود دانش آموزان اجرا شود. شاید راه ساده ای برای شروع در این زمینه، تشکیل گروههایی از دانش آموزان داوطلب به رهبری یک یا چند تن از معلمان و کارکنان علاقه مند و توانا در زمینه های مختلف کار مدرسه، مانند برگزاری مراسم صبحگاهی، برگزاری جشنها و مراسم مهم مانند جلسه انجمن اولیاء و مربیان مدرسه، امور ورزشی، فدرلیتهای فرهنگی فوق برنامه، اداره بوفه مدرسه، انتظامات مدرسه و مواردی از این قبیل باشد.

ب) اجتماع معلمان

وقتی صحبت از هیأت آموزشی مدرسه می شود می توان از سیستم اجتماعی، سازمان رسمی و غیر رسمی که هر کدام شخصیت مشخصی دارند، تنوع بسیار اجزایی که کل را تشکیل می دهند، روابط متقابلی که موجب نزدیکی و تشابه یا تمایز و اختلاف می شوند و تنوع گسترده عنایند از افراط تا تفریط سخن گفت. این اهداف، روابط و چالش های حرفه ای، اشخاص مختلف را در هیأت آموزشی به عنوان یک کل متشکل می سازد.

اجتماع معلمان متشکل از افراد و گروههای اولیه (غیررسمی) است که پیوندهای مختلفی با یکدیگر دارند. تحقیقات متعددی قدرت زیاد گروههای غیررسمی در نفوذ بر رفتار و اعمال فردی را نشان داده اند. گروههای غیررسمی ممکن است به دلایل مختلف تشکیل شوند. وقتی که روابط آنها توسعه می یابد، نقش مهمی در ساختار پیچیده گروهی مدرسه ایفا می کنند. گروههای غیررسمی به یکی از منابع اصلی ارتباطی تبدیل می شوند و عقاید و توجهات اعضایشان را مطابق ارزشها و هنجارهای خود جهت می بخشند. چنین اجتماع شکل یافته ای می تواند همانقدر که برای مدیریت مدرسه ایجاد مشکل و منع نماید در خدمت مدرسه و اهداف آن قرار گیرد. بخشی مهمی از این سوگیری به رفتار مدیر در برخورد با این اجتماع و حتی اجتماعات دیگر (مانند دانش آموزان یا اولیاء) بر می گردد. "تعامل با اجتماعات مدرسه مستلزم لطافت و نکته سنجی است. مدیر می تواند با رهبری صحیح قدرت گروههای غیررسمی را در جهت اهداف مدرسه قرار دهد.

۱-۶- ضرورت شناخت مدیر مدرسه از اجتماع

مدیر مدرسه نیازمند شناخت و درک اجتماع است. زیرا او باید ارزشها، نگرشها و فشارهای اجتماعی را که نقشی تعیین کننده در اثربخشی اقدامات و فعالیتهای مدرسه و نهایتاً اثربخشی مدرسه خواهد داشت تشخیص بدهد و حتی بتواند در بسیاری مواقع به نحو مقتضی از آن در جهت مقاصد تعلیم و تربیتی استفاده کند، یا آثار منفی آن را تا حد ممکن خنثی سازد و یا در شریطی که تأثیرگذاری بر آن ممکن نباشد، حداقل تأثیر آن را در طرح ریزیها، اقدامات و فعالیتهای آموزشی مد نظر قرار دهد. مدیر آگاه و ماهر می تواند در بسیاری اوقات از مسأله، راه حل بسازد.

از آنجا که نفوذ اجتماع رفتار دانش آموزان، والدین و معلمان و به طور کلی کار مدرسه را تحت تأثیر قرار می دهد لازم است مدیر، ماهیت اجتماع و سیستم ارزشی آن، ویژگیهای افراد، منابع موجود و دیگر خصوصیات اجتماع را مطالعه، شناسایی و درک کند و کانالهای ارتباطی کارآمد برای مبادله اطلاعات و ایجاد درک مشترک بین مدرسه و اجتماع را ایجاد و حفظ کند و رشد دهد. در واقع او مسئول برقراری یک رابطه همکاری مناسب بین مدرسه و اجتماع به منظور بهره برداری از منابع و امکانات خارجی و تسهیل کارکرد مدرسه است. عدم شناخت مدیر از اجتماع و زمینه های بالفعل و بالقوه آن، او را در معرض اشتباهاتی قرار می دهد که ممکن است آثار بسیار نامطلوبی برجای بگذارد.

«شوستر و استوارت» عقیده دارند توانایی مدیر در درک رفتارهای اجتماعی به شناختی که او از نیازهای اجتماعی بدست می آورد بستگی دارد.^{۱۵} اوارد (Ovard 1966) نیز با دیدی جامعتر، تحلیل موارد زیر را برای شناخت اجتماع توسط مدیر سودمند ذکر کرده است: عقاید عمومی، خصوصیات دموگرافیکی (جمعیت، روندها و ترکیب آن و...)، الگوی زیست محیطی (محدردیتهای جغرافیایی، محیط زیست و...)، پیشینه تاریخی، ساختار نهادی زندگی (شامل الگوی زندگی، ساختار خانوادگی، سلامت جسمی و روانی، پرورش کودکان و جوانان، اوقات فراغت، رفتارهای مذهبی، طبقات اجتماعی و...)، نظام ارزشی، ساختار قدرت، سهم و نحوه ارتباط فرهنگ اجتماع مورد نظر با فرهنگ غالب، ویژگیهای خاص اجتماعی و سایر مواردی که از این راستا می تواند مطرح شود.^{۱۶}

۱-۷- نقش و وظایف مدیر در ارتباط با روابط مدرسه و اجتماع

مدیر مدرسه مسئول برقراری، حفظ و بهبود روابط اثربخش با اجتماع است. او باید حمایت

اجتماع از مدرسه اش را تأمین کرده از منابع آن برای نیل به مقاصد آموزشی و تربیتی مدرسه استفاده نماید. برای ایفای این نقش او باید: به یک درک اساسی از زندگی عمومی اجتماع دست یابد و در پرتو آن، مسئولیت‌هایش را دقیقاً مشخص نماید و برای انجام آنها فنون و وسایل مفید متناسب با موقعیت را بکار گیرد. مدیر می‌تواند در جهت دادن منابع به سمت اهداف مدرسه، در نقش یک رهبر اجتماعی ظاهر شود. ایفای نقش رهبری اجتماعی مستلزم مهارت‌های ویژه رهبری است که در رأس آنها تحلیل و شناخت موقعیت خود و تصمیم‌گیری در مورد مجموعه اقدامات لازم در پرتو آن شناخت است.^{۱۶} برای این منظور او باید:

- ۱- موقعیت خود و مدرسه اش را در ارتباط با اجتماع تحلیل کند.
- ۲- اجتماع را مخصوصاً از ابعاد ارزشها، ساختارهای اجتماعی، نیازها، آداب و رسوم، منابع و دیگر عوامل موقعیتی بشناسد.
- ۳- رابطه مناسب مدرسه و اجتماع را تعیین و تبیین نماید.
- ۴- استراتژی مناسب برای دستیابی به رابطه مطلوب را تعیین کند.
- ۵- نقش خود و عوامل دیگر را در این زمینه مشخص و تعیین نماید.
- ۶- برنامه‌های مشخص و مدون برای ایجاد و بهبود مستمر رابطه مدرسه و اجتماع را طرح ریزی کند.
- ۷- طرحها و اقدامات را همواره مورد ارزشیابی قرار دهد.

۲- بهبود روابط مدرسه و اجتماع

هدف اصلی بهبود روابط با اجتماع ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت فعال و معنادار والدین و سایر شهروندان در فعالیتهای آموزشی مدرسه است. هدف دیگر، افزایش و تقویت رابطه بین مدرسه و اجتماع با کمک کردن به کارکنان مدرسه برای تحلیل و درک شرایط خانه و محیط اطراف دانش‌آموزان است.

تحقیقات بسیاری اهمیت ایجاد و بهبود رابطه مؤثر بین خانه و مدرسه را نشان داده است. کلمن (Coleman 1966) دریافت که متغیرهای خانوادگی و اقتصادی نفوذ قدرتمندی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

کلاسیمر و آلن (Klausmeier & Allen 1978) آشکار ساختند که بین نگرشهای خانوادگی دانش‌آموزان و نرخ رشد شناختی آنها رابطه معناداری وجود دارد. دانش‌آموزانی که سریع‌تر رشد

می یافتند نگرش مثبتی نسبت به خانه و خانواده شان اتخاذ می کنند و والدین آنها نیز نگرش مثبت تری نسبت به مدرسه و معلم و برنامه ریزی بدست می آورند. در مقابل، دانش آموزانی که کمتر رشد می یافتند آنهایی بودند که والدینشان کمتر در امور تحصیلی آنها درگیر می شدند و نگرششان نیز به مدرسه منفی تر می شد.

هابسون (Habson 1976) رابطه مثبت معناداری میان همکاری والدین با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یافت.

والبرگ (Walberg 1984) و لارو و بنسون (Lareau & Benson 1984) نیز به این نتیجه رسیدند که همکاری والدین در مدارس می تواند به طور آشکاری بهره وری معلمان را بالا برد. دنزیبرگر و اسدان (Danzberger & Usdan 1984) کشف کردند که همکاری پویای مدرسه و اجتماع، اثربخشی مدرسه را بهبود می بخشد و در بهسازی کل اجتماع اثر مثبت دارد.^{۱۸}

۱-۲- مفروضات بهبود روابط مدرسه و اجتماع

بهبود روابط مدرسه و اجتماع مبتنی بر مفروضات زیر است:

- ۱- دانش آموزان مهمترین افراد در مدرسه هستند که از اجتماع برخاسته اند و در آن زندگی می کنند و از این رومی توانند بهترین نماینده ارتباطی باشند.
 - ۲- تحقیقات، آثار مثبت رابطه والدین و مدرسه را نشان داده است. بهبود برنامه مدرسه و نیل به اهداف آن مستلزم همکاری و مشارکت والدین است.
 - ۳- ناچار به استفاده از منابع خارجی هستیم.
 - ۴- لازم است بدنبال راههای بهبود ارتباط باشیم.
 - ۵- اثربخشی و مفید بودن هر تغییری باید برای افراد و گروهها روشن باشد تا از آن حمایت نمایند. ارتباط اثربخش می تواند به این روشنگری و جلب حمایت کمک کند.
 - ۶- مدرسه در خدمت اجتماع و متعلق به آن است.
- همچنین بری برقراری روابط حسنه مدرسه با اجتماع لازم است:
- ۱- مدیر از ضرورت رابطه، پیامدها و ابعاد آن آگاهی داشته ر آنها را پذیرفته باشد. برای این منظور برگزاری دوره های آموزشی به شکل سمینار و کارگاه آموزشی می تواند سودمند واقع شود.
 - ۲- مدیر منرسه، اجتماع را بشناسد و توان بالفعل یا بالقوه آن را برای مشارکت در مدرسه باور داشته باشد.

- ۳- مسئولین، قدرت انتقاد از خود و پذیرش انتقادات دیگران را داشته باشند.
- ۴- اجتماع از نقش خود و اهمیت آن در ارتباط و مشارکت با مدرسه آگاه باشد.
- ۵- زمینه واقعی مشارکت نظام مند عناصر نظام اجتماعی مدرسه و اجتماع فراهم آید و قدرت واقعی بین مدیر، معلمان، والدین و دانش آموزان تقسیم شود. (بدیهی است مسئولیت نهایی همواره بر عهده مدیر خواهد بود).
- ۶- «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال» همواره نصب العین باند.

۲-۲- مدلی برای رابطه مدرسه و اجتماع^{۱۹}

کیم، فروت و بولز (Kime, Fruth and Bows, 1976) شرکت کنندگان و فرآیندهای رابطه خانه، مدرسه و اجتماع را در شکل ۲ نشان داده اند. این مدل نشان می دهد که رابطه اثربخش مدرسه و اجتماع محصولی از فرآیندهای تحلیل^۲، ارتباط^۱، درگیری^۳، و حل مسایل^۴ توسط سیاستگذاران و مدیران آموزشی است. پارتلز (Bartels 1976)، این فرآیندها را به شرح زیر تعریف کرده است:

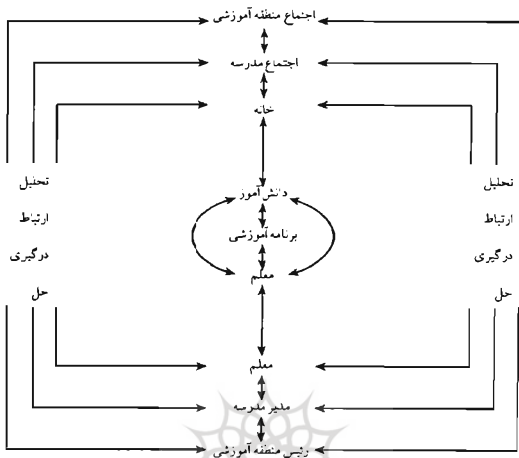
۱- تحلیل: فرآیندی است که طی آن مسایل و اعضای اجتماع شناسایی و با یکدیگر ارتباط داده می شوند.

۲- ارتباط: عبارتست از فرآیند تعامل میان اعضای مدرسه و بین مدرسه و اعضای اجتماع.

۳- درگیری: فرآیندی است که از طریق آن اعضای اجتماع، وقت، انرژی، تخصص و منابع دیگر را با مدرسه هم بخشی^۳ می کنند به فرآیندهای تصمیم گیری مدرسه راه می یابند.

۴- حل: فرآیندی است که برای مشکل گشایی و کاهش تعارضات موجود و بالقوه میان خانه، مدرسه و اجتماع صرح ریزی می شود.

همچنان که شکل ۲ نشان می دهد یک برنامه اثربخش رابطه مدرسه و اجتماع باید روی الگوهای اصلی تعامل بین فردی افرادی که نقش مهمی در سطوح مختلف سازمان آموزش و پرورش دارند تمرکز یابد. مرکز شکل نشان می دهد که مفصل اصلی مدرسه فراهم آوردن برنامه آموزشی متناسب با نیازهای تک تک دانش آموزان است. در این جا معلمان مسئولیت اصلی را در یاری به دانش آموزان و والدین آنها به منظور طراحی یک برنامه آموزشی متناسب برحسب توانایی ها، علائق، پیشرفتهای گذشت، انگیزش و سبک یادگیری هر دانش آموز بر عهده دارند. در این سطح همچنین معلمان مسئول هستند تصویر روشنی از پیشرفت دانش آموزان به والدین ارایه نموده و



شکل ۲- مشارکت کنندگان و فرآیند رابطه خانه، مدرسه و اجتماع

Lipham, Rankin and Hoch, The Principalship, 1985, P. 261

منبع:

روشهایی را که به کار می‌برند به آنها توضیح دهند. در سطح بعد مدیر مدرسه به عنوان یک رهبر آموزشی وظیفه دارد اهداف مدرسه را بیان کند، اهداف کلی را به اهداف جزئی و عینی تبدیل کند و برنامه‌های آموزشی مناسب را برای رسیدن به آن اهداف مهیا کند.

در نهایت رؤسای آموزش و پرورش و کارکنان اداره آموزش و پرورش در یک سطح کلی‌تر از اجتماع، اولویتهای برنامه آموزشی حوزه خود را تعیین می‌نمایند و در مرجع کلی‌تر و بزرگتری قرار می‌گیرند.

فعالیت هر یک از شرکت کنندگان در سطوح مربوطه مستلزم فرآیندهای تحلیل، ارتباط، درگیری و حل مسأله می‌باشد. در اینجا به سطوح سوم (مدرسه و اجتماع محلی آن) می‌پردازیم. ۲-۲-۱- تحلیل اجتماع: در هر اجتماع محلی نیازهای خاصی متناسب با وضعیت آموزشی،

ویژگیهای جمعیتی فرهنگ و عوامل دیگر مطرح می شود. در این بخش مدیر باید سه کارکرد زیر را به انجام برساند:

۱- مسائل و عناصر آنها را تشخیص بدهد.

۲- افراد و گروههای مایل یا قادر به همکاری را شناسایی کند.

۳- مسایل شناخته شده و عناصر آنها را به افراد و گروههای همکار شناخته شده به گونه ای ارتباط دهد که طرحهایی برای ارتباط، درگیری و حل مسایل استخراج شود. راههای مختلفی برای شناخت مسائل اجتماع وجود دارد:

۱- یک راه دریافت و احساس مدیر به مقتضای شغل اوست. این راه همیشه معتبر نیست چون ممکن است مدیر به دلایل مختلف، مانند تازه کار بودن در محل یا بیگانگی با فرهنگ محل، بسیاری از مسائل را درک نکند یا توجهش به آنها جلب نشده باشد یا اینکه قضایا را یک بسدی بنگرد.

۲- روش دیگر سنجش منظم نیازها و مسایل موجود است. این کار لازم است با استفاده از روشها و ابزارهای مرسوم علمی و با همکاری اولیاء و افراد مطلع اجتماع انجام شود. این شرایط باعث افزایش کیفیت و میزان پذیرش پیمایش می شود.

۳- روش سوم انجام مصاحبه های باز و عمیق با اعضای اجتماع است. آزمایای این روش فراهم آوردن دیدی روشن و مفصل از مسایل و امکان ارائه راه حل های ابتکاری است.

جلب مشارکت افراد و گروهها در شناسایی مسایل، به تشخیص اولویتها و ارائه بهبود راه حلها کمک می کند. برای شناسایی افراد یا گروههای همکار می توان از روشهای زیر یا ترکیبی از آنها استفاده کرد:

۱- شناخت موقعیت شغلی و اجتماعی افراد و نقشهای رسمی و غیررسمی که بر عهده دارند.

۲- شناسایی علاقه مندترین و نافذترین افراد در فعالیتهای مدرسه.

۳- تحلیل مسأله و شناسایی همزمان مشارکت کنندگان احتمالی.

ارتباط دادن افراد شرکت کننده با عناصر مسأله، سهمی را که اجزای مختلف در حل یک مسأله خاص دارند، روشن می نماید. در این فرآیند لازم است اختلافات و موانع ارتباطی بین افراد رفع شود و سعی شود تا درک واحدی از ارزشها، اهداف و برنامه ها ایجاد شود. در غیر این صورت، اختلاف نظرات و برداشتهای مختلف می تواند برنامه را عقیم سازد.

۲-۲-۲. برقراری ارتباط با اجتماع: هیچ مقدار تلاش ارتباطی نمی‌تواند جایگزین عملکرد اثربخش کارکنان و کیفیت مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی مدرسه شود. رتبه‌بندی رسمی و غیررسمی مستمر دانش‌آموزان و کارکنان با توجه به فعالیتها و رویدادهای مدرسه می‌تواند وسیله خوبی برای برقراری ارتباط مؤثر با اجتماع فراهم کند. هیچ گروهی بیشتر از دانش‌آموزان با اجتماع رابطه ندارد، لذا آنها می‌توانند بزرگترین منبع ارتباطی و انتقال اطلاعات بین مدرسه و اجتماع باشند. موفقیت، رضایت و احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه مزیت بزرگی است که می‌تواند آنها را تبدیل به مبلغان فعالی برای مدرسه نماید.

ارائه خدمات اجتماعی توسط مدرسه مانند جلسات و کلاسهای آموزشی برای خانواده و سایر افراد اجتماع می‌تواند مکانیزم فعالی در بهبود ارتباط مدرسه و اجتماع باشد. تدریس خوب معلمان و ارتباط مناسب آنها با والدین و اطلاع‌رسانی به آنها و نظرخواهی و اطلاع‌گیری از آنها برای بهبود برنامه‌ها می‌تواند سازوکار مؤثری در ایجاد و بهبود رابطه مؤثر مدرسه و خانه (اجتماع) باشد.

برقراری ارتباط مفید و ثمربخش از یکسو مستلزم ایجاد جو اعتماد و اطمینان بین طرفین ارتباط و رعایت صداقت و درستکاری است و از طرف دیگر مستلزم دانش و مهارت‌های فنی برقراری ارتباط است. ارتباط اثربخش به توانایی مدیر بر تعیین بهترین وسیله ارتباطی برای انتقال پیام، تهیه دقیق و متناسب پیام (متناسب با گیرندگان، وسیله و موقعیت برقراری ارتباط) و فراهم آوردن فرصت بازخورد برای طرفین بستگی دارد. توجه به این عناصر اساسی باعث بهبود ارتباط می‌شود.

۲-۲-۳. درگیر کردن اجتماع: درگیری به معنای مشارکت فعال مردم در برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه است. درگیری طرح‌ریزی شده و ساختارمند، پیش‌بینی منطقی رویدادها و کنترل جلسات و مشارکتها را ممکن می‌سازد. البته درگیری شامل تعاملات و رویارویی‌های پیش‌بینی نشده نیز می‌شود. در هر حال لازم است هر گروه متناسب با سهمی که می‌تواند داشته باشد در امور مدرسه درگیر شود.

پنج نوع درگیری به شرح زیر شناسایی شده است که می‌توان آنها را در مدرسه به کار برد:

- ۱- ملاقات معلم با والدین: بهتر است با قرار قبلی و توافق طرفین باشد، تعامل با بیانات مثبت شروع شود و معلم ارزشها و انتظارات والدین را در نظر داشته باشد.

- ۲- جلسه معلم-دانش‌آموز-والدین: این راه مؤثری برای درگیر نمودن والدین در طرح‌ریزی و مشارکت در انجام برنامه آموزشی دانش‌آموز و گزارش پیشرفت او است. در این جلسه علاوه بر

رعایت موارد مذکور، در مورد اول باید دستور جلسه معینی تهیه کرد و دانش آموز نیز به طور فعال و بدون اضطراب در جلسه شرکت داشته باشد.

۳- یادگیری اجتماع محور: یعنی استفاده از امکانات موجود اجتماع برای یادگیری و آموزش دانش آموزان از جمله مزایای این روش، استفاده از امکانات بیشتر اجتماع، مرتبط کردن تجارب یادگیری با محیط واقعی و درگیر کردن اجتماع در آموزش است.

۴- استفاده از افراد داوطلب: داوطلبین مطابق شرایط مدرسه و در محدوده خط مشی، اهداف و رویه های مدرسه فعالیت خواهند کرد. البته نباید انتظار داشت که داوطلبان بیش از حد وقت بگذرانند، ارجاع امور باید بر اساس علائق و توانایی های افراد باشد و در صورت لزوم داوطلبین را آموزش داد.

۵- استفاده از والدین و افراد دیگر در کمیته های مشورتی: پیش فرض این کمیته ها آن است که دانش آموزان مستقیماً از درگیری والدین و شهروندان سود خواهند برد. مدیر، مسئول تهیه صورت جلسه، برگزاری جلسات، تلخیص و پیگیری تصمیمات است.

۲-۲-۴- حل مسایل اجتماع: کارکرد نهایی رابطه مدرسه و اجتماع، حل تعارضهای واقعی یا بالقوه، تخصیص منابع، انتخاب ارزشها و توزیع قدرت در ارتباط با اجتماعات درونی و بیرونی مدرسه است. در این کارکرد چهار روش حل تعارض را می توان بکار برد که عبارتند از:

۱- تصمیم گیری منطقی^{۲۵}: در این فرآیند فرض می شود که اهداف گروههای مشارکت کننده تا اندازه زیادی مشابه و مشترکند در چنین وضعیتی آنها می توانند برای نیل به اهداف مشترکشان بر اساس یک ترتیب معمول و منطقی با یکدیگر کار کنند.

۲- متقاعد سازی^{۲۶}: این فرآیند وقتی بکار می رود که اهداف گروههای مشارکت کننده تا حدی متفاوت است ولی این تفاوت قابل اغماض و رفع است. در این موقعیت می توان از دلایل منطقی و احساسی- هردو برای اصلاح یا تغییر اهداف و نگرشهای طرف مقابل استفاده کرد. چنانچه افراد گروهها به درستی متقاعد شوند، احساس سازگاری راحتی با اهداف و فعالیتهای طرف مقابل می کنند.

۳- چانه زنی^{۲۷}: این فرآیند در موقعیتی استفاده می شود که اهداف مشارکت کنندگان تا حدود نسبتاً زیادی متفاوت و غیر قابل تغییر اما در مقابل امتیازاتی قابل چشم پوشی هستند. در چنین موقعیتی بیشتر حل تعارض و آرام سازی اوضاع مطرح است تا اجماع نظر. در واقع یک یا هر دو طرف می پذیرند که در قابل امتیازهایی که می گیرند یا بخاطر مصالحی، فعلاً تعارضات خود را

مسکوت بگذارند .

۴- بازی قدرت^۸: در مواقعی اهداف طرفین نه تنها متفاوت است بلکه قابل تغییر چشم پوشی نیز نیست . در چنین وضعی آنها از منابع قدرتی که در اختیار دارند برای برنده شدن استفاده می کنند . در این حالت مخصوصاً اگر به طول بیانجامد انرژی بسیاری از سیستم تلف خواهد شد و دشمنی بسیاری خصوصاً برای بازنده باقی می ماند که می تواند در هر موقعیتی بروز یافته و نظام را ویران سازد . بنابراین باید حتی الامکان از بروز تعارضاتی که مستلزم چنین راه حل هایی در مدرسه است جلوگیری نمود . هر چند ، گاهی ممکن است اجتناب ناپذیر جلوه کند .

مدیران باید در حل مسایل رابطه مدرسه و اجتماع که مستقیماً مدرسه را متأثر می سازند ماهر و توانا بوده و با استفاده از کلیه روشها و ابزارهای ممکن ، تعارضات احتمالی را به بهترین نحو - به گونه ای که تبعات منفی برای مدرسه به حداقل برسد - حل کنند . چنین مهارت و توانایی مستلزم علم و هنر مدیریت آموزشی است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ۱- علاقه بند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی: بعثت، بهمن ۱۳۷۱، ص ۱۷۳.
- ۲- تیلور، زالف، اصول اساسی برنامه ریزی آموزشی و درسی، ترجمه علی تقی پور ظهیر، آگه، ۱۳۷۶، ص ۹۱.
- ۳- علاقه بند، همان منبع.
- 4 - Shuster, Albert. H. Stewart, Don. H. The Principal and the Autonomous Elementary Schools. Belland Howell. Co. 1973. PP.103- 4.
5. Ibid, P. 11.
- ۶- علاقه بند، حصص ۴-۱۷۳.
7. Roe, William H. Drake, Thelbert. L. The Principalsup. Mac Millan Pub. Co. Inc. New york. 1974, PP 149 - 50.
8. I bid, PP. 147 - 9.
9. I bid, PP. 154 - 5.
10. Give in.
11. Get out.
12. Revolt.
13. I bid, P. 156.
14. I bid, PP. 158 - 60.
15. Shuster & Stewart. P. 124.
16. Ovard, Glen. F. Administration of the Changing Secondary Schools. Mac Millan Pub. Co. Inc. New york. 1966, PP 140 - 410.
17. Shuster & Stewart, PP 124 - 5.
18. Lipham, James. M. Rankin, Robe. E. Hoeh, James. A. The Principalship, Concepts, Competencies and Cases, 1985, PP. 225- 6.
19. I bid, pp. 260 - 70
20. Analysis
21. Communication
22. Involvement
23. Resolution

